



رویکرد سنجی ادبیات علمی روابط بین الملل ایرانی: بررسی مقالات علمی- پژوهشی سال ۱۴۰۰

سجاد صادقی^۱

چکیده

تحول پژوهشی و رویکرد سنجی یکی از مباحث مهم در فهم وضعیت پژوهشی یک دانش در بازه مشخص زمانی و در یک جامعه دانشگاهی یا پژوهشی خاص است. فقر نظری در این حوزه مطالعاتی در نهایت با ایجاد ابهام علمی منجر به عدم شکل گیری حلقه های فکری مؤثر خواهد شد. در این پژوهش بر مبنای رویکرد درون رشته ای و با مطالعه ۲۳۸ مقاله پژوهشی روابط بین الملل ایرانی منتشر شده در سال ۱۴۰۰، پله اول نهاد شده است. بر اساس روش خاص ابداعی مبتنی بر دانش رایانه ای موفق به تشکیل جامعه آماری اتفاقی و قابل اتکاء شده ایم و بر مبنای روش پژوهش «نظریه داده بنیاد» نیز در نهایت به پنج یافته تایید شده دست یافتیم که در پژوهش های آینده در این حوزه می توانند به عنوان شاخص، راهنمای پژوهش ها باشند. خروجی پژوهش حاضر تعیین حوزه های فقر پژوهشی و موارد توجه بیش از حد است؛ آنچنان که دریافتیم روابط بین الملل ایرانی بیش از حد آمریکازده و بی توجه به نیازهای مبتنی بر دکتترین سیاست خارجی دولت نهاد است. همچنان که در حوزه روش پژوهش و معرفت شناسی نیز سردرگمی ناشی از فقدان آموزش موثر را مشاهده کردیم. در پژوهش حاضر نگاه کلان نگر حاکم است و به بررسی با رویکرد برون رشته ای و عوامل ایجاد چنین «فقر» یا «شدت توجه» پرداخته ایم. عدم توجه جامعه دانشگاهی به نیازهای مبتنی بر دکتترین سیاست خارجی دولت نهاد دارای ریشه هایی از جنس عوامل محیطی و همچنین نظام ارزشی-هنجاری حاکم بر اندیشه متفکران روابط بین الملل ایرانی و تلاش برای فاصله گذاری معنادار با

۱- دانش آموخته دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). کد ارکید: ۸۴۳۹-۷۵۶۷-۰۰۰۱-۰۰۰۰

Dr.sajjad.sadeghi@gmail.com و sajjad.sadeghi@ut.ac.ir



مباحث دولت نهاد است که موضوع پژوهش حاضر نبوده و می‌بایست در پژوهش‌های دیگر به آن پرداخته و بررسی شود چه ارتباطی با «سندروم کیسینجر» دارد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات علمی روابط بین‌الملل، تحول پژوهی، روابط بین‌الملل، روابط بین‌الملل ایرانی، رویکرد سنجی

Examining the Research Approaches of Iranian International Relations Articles: Review of Scientific Research Articles Published from March 21, 2021 to March 20, 2022

Sajjad Sadeghi¹

Abstract

Evolutionary research and examining the research approaches are one of the important research field to understand the status of a discipline in a specific period of time and scientific community. Theoretical poverty in this field of study creates scientific ambiguity, an event that will eventually lead to the non-formation of effective thought circles.

In this research, based on the interdisciplinary approach, 238 scientific research articles have been studied and the first step was taken. Based on special innovative method and using computer programming, we created a random and reliable statistical society. Also, based on the Grounded Theory research method, we found five confirmed theories that they can be a guide in future researches as indicators. The results of this research represent areas of research poverty and cases of excessive attention. In this research, we found that Iranian international relations are strongly influenced by the US foreign policy and it ignores the needs of the foreign policy doctrine of Islamic Republic of Iran. Also we realized the confusion of Iranian articles in epistemology and research method which is caused by the lack of proper education.

1- Ph.D. in International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author). sajjad.sadeghi@ut.ac.ir & Dr.sajjad.sadeghi@gmail.com



۳۵۶

پژوهش‌نامه ایرانی
سیاست بین‌الملل،
سال ۱۲، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۴، بهار و تابستان
۱۴۰۳

In this research, we did not address the causes of Iranian researchers paying too much attention to cases or their lack of attention to some issues. Finding the cause of these issues is in the field of Extra-disciplinary approach which is rooted in the environmental factors and the value system governing the thinking of Iranian international relations thinkers. The fact is that they try to distance themselves from government policy.

Keywords: Evolutionary Research, Examining the Research Approaches, International Relations, Iranian International Relations, Scientific Literature of International Relations

۱. مقدمه

در تحول پژوهی و رویکردسنجی دانش روابط بین‌الملل مرسوم است که بر مبنای بررسی ادبیات علمی مکتوب موجود، در چارچوب بازه‌های زمانی مشخص اقدام به سنجش وضعیت و رویکردهای پژوهشی نمایند. چنین پژوهش‌هایی در نهایت می‌تواند الگوواره علمی حاکم در یک جامعه دانشگاهی خاص را مشخص و بحث چرخش الگوواره‌ای را تفسیر نماید. بر مبنای چنین پژوهش‌هایی امکان فهم نگرش یک جامعه دانشگاهی خاص نسبت به مسائل اصلی روابط بین‌الملل قابل ترسیم در قالب عدد و نمودار می‌گردد و در نهایت مبنای فهم روابط بین‌الملل بومی قرار می‌گیرد. چنین پژوهش‌هایی معمولاً چارچوب نظری، معرفت‌شناسی، جهت‌گیری مطالعاتی و سایر موارد از این دست را مورد بررسی قرار داده و مشخص می‌نماید که در آن بازه زمانی مشخص اندیشمندان روابط بین‌الملل آن جامعه دانشگاهی خاص براساس چه اصولی موضوعات اصلی را انتخاب و بر مبنای چه رویکردی این موضوعات را مورد پژوهش قرار می‌دهند. چنین پژوهش‌هایی معمولاً به صورت دوره‌ای و در طی چندین سال و یا دهه، اعداد و ارقام را به صورت داده پردازش شده ایجاد می‌نمایند که در نهایت یک چشم‌انداز دقیق و واقع‌بینانه از گذشته و آینده دانش روابط بین‌الملل را در اختیار سیاستگذاران کلان قرار می‌دهند. اگر به این موضوع از بعد متغیرهای مستقل موثر نگریسته شود، عوامل تنظیم و دخل و تصرف در دستور کار جامعه دانشگاهی روابط بین‌الملل نیز استخراج می‌گردد. موضوعی که از آن تحت عنوان عوامل برون‌رشته‌ای مؤثر بر دانش می‌توان یاد کرد که در برخی از موارد در صورتی که موضوع عامل برون‌رشته‌ای مفهوم قدرت باشد، این سبک از پژوهش به دستگاه «دانش-قدرت» در سبک «جامعه‌شناسی شناخت» یا نگرش‌های فوکویی و یا مباحث «زمینه‌مندی» تغییر صورت می‌دهد.

در دانش روابط بین‌الملل فارسی خلاء یا فقر پژوهشی در این حوزه وجود داشته و پژوهش حاضر تلاش

دارد به صورت مستمر به این موضوع مهم پردازد. روش پژوهش به کار رفته در این پژوهش "نظریه داده بنیاد" بر مبنای بررسی مقالات است که در نهایت منجر به تولید چند یافته تأیید شده براساس خروجی‌های پژوهش خواهد شد. یافته‌های پژوهش در نهایت به‌عنوان گزاره‌های اثبات شده قابل کاربرد در تحول پژوهی روابط بین‌الملل ایرانی خواهند بود.

۲. پیشینه پژوهش

همان‌طور که در مقدمه بیان شد در ادبیات علمی روابط بین‌الملل فارسی و ایرانی در حوزه تحول پژوهی و رویکردسنجی شاهد فقر نظری و پژوهشی هستیم. این حوزه مطالعاتی با رویکردهای درون و برون رشته‌ای در ادبیات غیرفارسی نیز علیرغم اینکه دارای غنای علمی قابل اتکاء است، اما بسیار جوان و در ابتدای راه قرار دارد. همچنان که پژوهش سال ۱۹۵۶ «گروسر» بر مبنای تحول پژوهی و رویکردسنجی ادبیات علمی روابط بین‌الملل تولید شده در خلال سالهای ۱۹۳۰-۱۹۵۱ و بررسی تأثیرپذیری این دانش از عوامل برون رشته‌ای و واکاوی امکان تأثیرپذیری و تسلط از سوی یک قدرت جهانی چیره‌طلب (آمریکا)، به‌عنوان پیشگام و نقطه‌ی عزیمت حوزه مطالعاتی قابل تعیین است (Grosser, 1956, pp.634-651). اما به دلیل سیطره متصلب مکاتب مرتبط با توجیه، تفسیر و پیش‌بینی الزامات جنگ سرد بر روند انتخاب موضوع و مسئله پژوهشی در دانش روابط بین‌الملل، به مدت سه دهه تحول پژوهی دانش روابط بین‌الملل مورد توجه و اقبال محافل دانشگاهی قرار نگرفت. به همین دلیل تحول پژوهی و رویکردسنجی روابط بین‌الملل را می‌توان توسعه یافته در اواخر دهه ۱۹۸۰ و حوزه‌ای مطالعاتی با قدمت و غنای کمتر از چهاردهه دانست. شاید بتوان پژوهش ۱۹۸۵ «هالستی» که به نظریات گروسر و «هافمن» و دیگران عمق دانشی داد را سر سلسله نسل رویکردسنجی و تحول پژوهی نوین روابط بین‌الملل دانست. هالستی با بررسی ادبیات علمی مکتوب روابط بین‌الملل در ۸ کشور دارای قدرت تأثیرگذاری جهانی با رویکرد برون و درون رشته‌ای موفق به ابداع مفهوم "مجمع اندیشمندان آمریکایی-بریتانیایی" به‌عنوان نتیجه‌ی نهایی این پژوهش شد (Holsti, 1985, pp.11-126). «آلکر» و «بریستیکر» نیز در سال ۱۹۸۴ با تأکید بر شاخص‌های روش‌شناسی ضمن مطالعه عنوان‌های تدریس و مفاد دروس در هفده مورد از دانشگاه‌های اصلی روابط بین‌الملل آمریکا به نتایجی در زمینه تضارب پارادایمی و رویکرد آنتولوژی در جامعه دانشگاهی روابط بین‌الملل دست یافتند (Alker&Biersteker, 1984, pp.121-142). «ویور» اندیشمند دیگری است که در سال ۱۹۹۸ به بررسی با رویکرد درون رشته‌ای ۸ مجله پیشتاز دانشگاهی در حوزه روابط بین‌الملل پرداخته است. ۴- مجله



در آمریکا و ۴ مجله در اروپا- وی مقالات منتشر شده طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ را بررسی و با تکیه بر مفاهیم "جامعه‌شناسی شناخت" موفق به رویکردسنجی و استخراج مجموعه‌ای از جداول کاربردی شد (Waever, 1998, pp.687-727). اما اینها نمونه‌هایی اولیه و غیرمنسجم از تحول پژوهی و رویکردسنجی در روابط بین‌الملل هستند که اندیشمندان صرفاً به یک پژوهش تک بعدی اکتفا کرده‌اند. در مقابل سبک دیگری از تحول پژوهی وجود دارد که مستمر و دوره‌ای به بررسی تغییرات و رویکردسنجی می‌پردازد که مبدع این سبک جدید و کارآمد تیم پژوهشی دانشگاه «ویلیام و مری» است.

در سال ۲۰۰۹ یک تیم پژوهشی در دانشگاه ویلیام و مری طی بررسی و مصاحبه با ۵۸۶۸ استاد از دانشکده‌های برگزیده روابط بین‌الملل از ده کشور شامل آمریکا، کانادا، انگلیس، ایرلند، استرالیا، نیوزلند، هنگ کنگ، سنگاپور، اسرائیل و افریقای جنوبی اولین قدم در راه تحول پژوهی و رویکردسنجی مستمر و کارآمد را برداشت. نتایج این پژوهش در ۹۳ صفحه چاپ شده، که ۸۲ صفحه آن جداول در مورد روند تحول و اندیشه‌ورزی در روابط بین‌الملل است (Jordan, 2009, pp.7-46). این پژوهش در ژوئیه سال ۲۰۱۱ دوباره تکرار و این بار بر رویکرد مؤلفه‌های درون‌رشته‌ای و اندیشمندان روابط بین‌الملل در ایالات متحده آمریکا و کانادا متمرکز شد. در این پژوهش ۱۲۰۰ مؤسسه آموزشی و نزدیک به سه هزار استاد و محقق روابط بین‌الملل پاسخگوی سؤالات در حوزه مسائل پارادایمی و معرفت‌شناختی بودند؛ همچنین در کنار این تحقیق ۱۲ مجله پیش‌تاز اندیشه‌ورزی روابط بین‌الملل حد فاصل سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ با نگاه درون رشته‌ای مورد بررسی قرار گرفتند (Maliniak, 2011, pp.437-464). این پروژه در سال ۲۰۱۸ نیز با مشارکت اساتید دانشکده‌های روابط بین‌الملل ده کشور (همان دانشکده‌های مشارکت‌کننده در پژوهش سال ۲۰۰۹) و همچنین بررسی همزمان مقالات منتشر شده از سوی این اساتید در ۱۲ مجله پژوهشی برتر روابط بین‌الملل از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۸ از منظر روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و سایر شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت منجر به ایجاد جداول مقایسه‌ای قابل اتکایی در حوزه تحول پژوهی دانش روابط بین‌الملل شد (D.Miliniak et al., 2018, pp.448-484).

در کنار پژوهش‌هایی که اولویت جهانی دارند و به دنبال تحول پژوهی و رویکردسنجی کلان دانش روابط بین‌الملل هستند، گروهی دیگر سنجش بومی گرایانه با نگاه و برداشت ملی از دانش روابط بین‌الملل را دنبال می‌نمایند تا تعیین نمایند دانش روابط بین‌الملل بومی در عرصه کلان دارای چه جایگاه، رویکرد و مسائل اصلی است. به عنوان مثال «چونگ» و «همیلتون هارت» دو پژوهشگری هستند که در سال ۲۰۰۹ به بررسی روابط بین‌الملل در جنوب شرق آسیا به روش مصاحبه حضوری و سپس بررسی ادبیات مکتوب



پرداخته و در نهایت به مفروضات پایه‌ای هویتی اخلاق‌مدار در روابط بین‌الملل بومی این منطقه دست یافتند (Chong&Hamilton, 2009, pp.1-18)، یا «هادیوناتا» که در پژوهشی در سال ۲۰۰۹ وضعیت روابط بین‌الملل اندونزی را رویکردسنجی کرد و دریافت که در اندونزی دانشجویان و اساتید علاقه کمتری به تولید دانش نشان می‌دهند و ترجیح آنان بازخوانی نظریات منتشر شده در دانشگاه‌های روابط بین‌الملل غرب و بویژه آمریکا می‌باشد. همچنین دریافت که نفوذ مکتب لیبرالیسم در روابط بین‌الملل این کشور قوی و پژوهشگران اندونزی مسائل بین‌الملل را بیشتر از دریچه مسائل اقتصاد بین‌الملل مورد واکاوی قرار می‌دهند (Hadiwinata, 2009, pp.55-81)، یا «ماکاریچف» و «موروزوف» که طی پژوهشی در سال ۲۰۱۳ مبانی نظری و روش پژوهش غالب در دانشگاه‌های روابط بین‌الملل روسیه را مورد بررسی قرار دادند و مفهوم «دام نسبی‌گرایی در اپیستمولوژی» را در حوزه تأثیرپذیری روابط بین‌الملل روسیه از نظرات غربی ابداع کردند (Makarychev&morozov, 2013, pp.328-350)، یا «فردریک» که در سال ۲۰۰۴ و طی پژوهشی که در قالب یک کتاب منتشر شده است، نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل در اروپا بویژه نظریه‌پردازان اسکاندیناوی را مورد رویکردسنجی قرار داده و دریافت که استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان علم در میان نظریه‌پردازان اسکاندیناوی مرسوم شده است تا یافته‌هایشان بتواند مورد قبول جامعه‌ی روابط بین‌الملل جهان قرار گرفته و مقالاتشان مورد ارجاع قرار گیرد. فردریک مبدع واژه «خود ارجاعی» در راستای تفسیر روند تأثیرگذاری قدرت‌های چیره‌طلب (هژمونی) و نظرات جریان اصلی است که بیانگر نوعی چرخه در جهت بازتولید مشروعیت در نظریات جریان اصلی و غربی است (Friedrichs, 2004). اینها همگی نمونه‌هایی پژوهشی در دهه‌های اخیر است که تلاش کرده‌اند با تکیه بر تحول‌پژوهی و رویکردسنجی یک نقشه راه بومی و ملی‌گرا برای دانش روابط بین‌الملل کشورهایشان ایجاد نمایند یا حداقل کوشیده‌اند که محل قرار گرفتن دانش روابط بین‌الملل بومی خودشان را در پلکان علم جهان معاصر تعیین مکان نمایند.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش نظریه داده‌بنیاد برای انجام این پژوهش مناسب تشخیص داده شد با این تفاوت که در حالت مرسوم از این روش برای استخراج داده‌ها از انواع مصاحبه استفاده می‌شود. اما در پژوهش حاضر این روش در جهت بررسی مقالات بکار گرفته شد. علت نیز حرکت از جزء به کل و در نهایت شکل‌دهی یک گزاره تأیید شده براساس داده‌های بدست آمده و به دور از پیش‌داوری و فرضیه‌سازی (بافته‌های ذهنی متأثر از نظام ارزشی-هنجاری و بافت اجتماعی حاکم بر اتمسفر فکری) است. البته باید دقت داشت که روش

نظریه داده بنیاد در نهایت نوعی روش کیفی محسوب می‌شود. همچنین از سه رویکرد مرسوم نظام‌مند، ظاهرشونده و ساخت‌گرایانه رویکرد ساخت‌گرایانه که قرابت بیشتری با موضوع پژوهش حاضر داشته انتخاب و بکار برده شده است.

الف. روند انتخاب مقالات

در پژوهش حاضر ۲۲ مجله علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ایرانی انتخاب و ۲۳۸ مقاله مرتبط با دانش روابط بین‌الملل که در سال ۱۴۰۰ شمسی چاپ شده است، مورد بررسی قرار گرفت. مقالات براساس انتخاب تصادفی توسط یک برنامه کاربردی رایانه‌ای اختصاصی مبتنی بر دانش پایگاه داده‌ها، از میان ۳۹۶ مقاله مرتبط با دانش روابط بین‌الملل با جامعه آماری ۶۰ درصد انتخاب شدند و عامل انسانی در انتخاب مقالات دخیل نبوده است. در روش ابداعی این پژوهش مقالات براساس حروف الفباء لیست شده و به هر مقاله یک شماره منحصر به فرد رایانه‌ای اختصاص داده شد و سپس رایانه هر بار با ایجاد یک عدد تصادفی توسط پردازنده اصلی با کمک الگوریتمی ساخت یافته یک مقاله را از لیست مزبور انتخاب نمود و در نهایت لیست ۲۳۸ مقاله تشکیل شده است. به همین دلیل موضوع مقالات، زمینه کاری-تخصصی و وابستگی سازمانی نویسندگان و مجله انتشار کاملاً در انتخاب مقاله بی‌تأثیر بوده است و به جامعه آماری تصادفی این مقالات می‌توان اتکاء نمود. در انتخاب ۲۲ مجله نیز تلاش شد جامعه آماری متکثر و متنوعی انتخاب شود. از این میان تعداد ۴ مجله از دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، ۶ مجله از دانشگاه‌های دولتی شهرستان‌ها، ۳ مجله از شعب دانشگاه آزاد اسلامی سراسر کشور و ۹ مجله از میان پژوهشکده‌ها و انجمن‌های علمی انتخاب شدند. (لیست مجلات در پیوست شماره ۱ درج شده است)

ب. روند کدگذاری محتوایی

در پژوهش حاضر از سه مرحله کدگذاری مرسوم شامل «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی» استفاده شد. در مرحله کدگذاری باز پس از مطالعه دقیق محتوای مقالات به ۳۴۸ کد تخصصی مرتبط با دانش روابط بین‌الملل دست یافته و محتوای ۲۳۸ مقاله در قالب این کدها دسته‌بندی شدند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، کدها در ۹۸ محور مرتبط با یکدیگر طبقه‌بندی و نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی به ۶ محور اصلی شامل اطلاعات تخصصی مرتبط با نویسندگان مقاله، منطقه جغرافیایی مرتبط با پژوهش، جهت‌گیری موضوعی، جهت‌گیری مطالعاتی، جهت‌گیری پارادایمی و جهت‌گیری روش‌شناسی دست یافتیم.

۴. یافته‌های پژوهش

الف. جهت‌گیری موضوعی

در بررسی مقالات براساس «جهت‌گیری موضوعی» به سه دسته عمده شامل مطالعات نظری محض، مطالعات موردی تاریخی و مطالعات موردی سیاست‌ خارجی معاصر دست یافتیم که بر این اساس یافته‌های جدول شماره ۱ به دست آمد. بر مبنای داده‌های استخراج شده دریافتیم که پژوهشگران ایرانی علاقمند به پژوهش در حوزه سیاست خارجی معاصر و در قالب مطالعه موردی هستند. در حوزه نظریه‌پردازی عام و مطالعات نظری محض فقر پژوهشی وجود دارد و پژوهشگران تمایل بسیار کمی نشان داده‌اند. همچنین تمایل پژوهشگران ایرانی به تفسیر و تبیین وقایع بین‌المللی و سیاست خارجی معاصر مبتنی بر مکاتب نظری روابط بین‌الملل با حداقل دخل و تصرف نظری است. در نتیجه شاهد نوآوری نظری و یا تلاش برای ایجاد نظریه‌پردازی جدید و یا تلاش برای تکامل نظریه‌پردازی‌های موجود (مانند روابط بین‌الملل جهانی) نبوده‌ایم.

جدول (۱): داده‌های پژوهش براساس جهت‌گیری موضوعی

درصد	تعداد مقالات	نوع مطالعات
۷۶	۱۸۱	مطالعات موردی سیاست خارجی معاصر
۲۰	۴۹	مطالعات نظری محض
۴	۸	مطالعات موردی تاریخی

در مورد مطالعات نظری محض نیز با بررسی دقیق ۴۹ مورد پژوهش، دریافتیم که ۳۱ مورد (۶۳ درصد) مرتبط با «تحول‌پژوهی مفاهیم» است و پژوهشگران ایرانی علاقمند به مطالعات نظری محض، سیرتحول مفاهیم برایشان در اولویت قرار دارد. همچنین در میان ۳۱ مورد مطالعاتی سیرتحول مفاهیم ۲۳ مورد (۷۴ درصد) مرتبط با مفاهیم شاخه‌های مختلف مکتب واقع‌گرایی بوده است. در نتیجه دریافتیم مطالعات نظری محض ایرانی علیرغم دارا بودن حجم اندک، گرایش به بررسی سیرتحول مفاهیم واقع‌گرا دارند. در مورد مطالعات موردی تاریخی نیز ضمن بررسی ۸ مورد موجود، دریافتیم که پژوهش در حوزه تاریخ سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اروپا با ۶ مورد در صدر توجه قرار دارد. که البته با توجه به حجم اندک این سبک از پژوهش امکان دستیابی به عدد و رقم قابل اتکاء وجود ندارد. اما در مورد مطالعات موردی سیاست خارجی معاصر که ۱۸۱ مورد (۷۶ درصد) از پژوهش‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، یافته‌های جدول شماره ۲ بدست آمد.



جدول (۲): داده‌های پژوهش براساس تعداد کشور مورد مطالعه در «مطالعات موردی سیاست خارجی معاصر»

نوع مطالعات موردی سیاست خارجی معاصر	تعداد مقالات	درصد
مطالعات موردی سیاست خارجی یک کشور	۳۹	۲۲
مطالعات موردی سیاست خارجی مرتبط با دو کشور	۸۵	۴۷
مطالعات موردی سیاست خارجی مرتبط با چند کشور	۵۷	۳۱

براساس یافته‌های پژوهش ۴۷ درصد (۸۵ مورد) پژوهش‌ها با رویکرد مطالعات موردی سیاست خارجی معاصر به روابط خارجی میان دو کشور می‌پردازند که اگر مطالعات در حوزه سیاست خارجی یک کشور (۲۲ درصد) را نیز به آن اضافه کنیم درمی‌یابیم که ۶۹ درصد (۱۲۴ مورد) این سبک از پژوهش‌ها (مطالعات موردی) بیشتر در قالب مطالعات روابط خارجی یا مطالعات سیاست خارجی کشورها قابل دسته‌بندی هستند. بر همین اساس حدود ۳۱ درصد از این پژوهش‌ها قابل طبقه‌بندی در قالب مطالعات روابط بین‌الملل کلان خواهد بود. در نتیجه دریافتیم علاقه‌مندی پژوهشگران ایرانی به مطالعات روابط خارجی و مطالعات سیاست خارجی در سطح یک یا دو کشور است و پژوهشگران کمتر به مسائل کلان روابط بین‌الملل علاقه نشان می‌دهند.

ب. جهت‌گیری مطالعاتی

در بررسی مقالات براساس «جهت‌گیری مطالعاتی» به ۴۱ حوزه مطالعاتی اصلی دست‌یافتیم که براساس بیشترین تکرار داده‌ها، یافته‌های جدول شماره ۳ بدست آمد. دقت داشته باشید که در برخی از مقالات چند حوزه مطالعاتی مختلف دخیل هستند. به‌عنوان مثال موضوع «مطالعه روابط اقتصادی چین و آمریکا» همزمان در دسته‌بندی مطالعات چین، مطالعات آمریکا و مطالعات اقتصادسیاسی طبقه‌بندی می‌شود. به همین دلیل در هر حوزه باید برای بررسی کلان مقالات تکراری حذف شود.

تحلیل ساده و غیرترکیبی داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که از هر ۳ پژوهش ایرانی روابط بین‌الملل یک مورد مربوط به مطالعات متأثر از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا می‌باشد (۹۷ مورد از ۲۳۸ مقاله) که نمایانگر علاقه‌مندی پژوهشگران ایرانی به حوزه مطالعات آمریکا است. در نگاه اول به نظر می‌رسد این تمایل پژوهشگران ایرانی به مطالعات آمریکا مرتبط با رابطه تنش میان دو کشور در چهار دهه گذشته است. اما بررسی دقیق‌تر و داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که براساس یافته‌های پژوهش از ۹۷ مورد که مرتبط با مطالعات آمریکا است، تنها ۲۴ مورد (۲۵ درصد) مربوط به «روابط ایران و

آمریکا» و مسائل میان دو کشور بویژه «پرونده مذاکرات هسته‌ای» می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد بیش از ۷۵ درصد پژوهش‌های ایرانی روابط بین‌الملل با محوریت مطالعات آمریکا مرتبط با سیاست خارجی این کشور بدون در نظر گرفتن مسائل مرتبط ایران است. بدین معنا که پژوهش‌های ایرانی مرتبط با مطالعات آمریکا بیشتر معطوف به عملکرد وسیع آمریکا به‌عنوان یک کنشگر «چیره‌طلب» در وقایع بین‌الملل است.

جدول (۳): داده‌های پژوهش براساس جهت‌گیری مطالعاتی (بیشترین تکرار)

تعداد مقاله	حوزه‌های مطالعاتی با بیشترین تکرار
۹۷	مطالعات ایالات متحده آمریکا
۴۹	اقتصاد سیاسی
۳۶	مطالعات خلیج فارس
۳۵	مطالعات چین
۳۳	مطالعات حوزه انرژی
۲۸	مطالعات عربستان
۲۶	مطالعات روسیه
۲۳	پرونده هسته‌ای ایران
۲۲	مطالعات اروپا
۲۱	بحران سوریه
۲۱	مطالعات تروریسم
۲۱	مطالعات ترکیه
۱۸	مطالعات عراق

جدول (۴): داده‌های پژوهش براساس جهت‌گیری مطالعات آمریکا

تعداد مقاله (مجموع ۹۷ مورد از ۲۳۸ مقاله)	حوزه مطالعاتی مسائل آمریکا
۳۲	مسائل مرتبط با رابطه چین و آمریکا
۳۱	مسائل مرتبط با سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا (خاورمیانه)
۲۴	مسائل مرتبط با رابطه ایران و آمریکا
۱۰	مسائل مرتبط با سیاست خارجی آمریکا در سایر نقاط جهان

در بررسی براساس «جهت‌گیری مطالعاتی» اگر بر همسایگان ایران متمرکز شویم به جدول داده‌های شماره ۵ دست می‌یابیم. براین اساس پژوهشگران ایرانی در مورد کشورهای کویت، امارات متحده عربی،



عمان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان تمایلی به انجام پژوهش نداشته و از میان همسایگان ایران بیشتر عربستان، روسیه، ترکیه و عراق مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

جدول (۵): داده‌های پژوهش براساس جهت‌گیری مطالعاتی با محوریت همسایگان ایران

تعداد مقاله	حوزه مطالعاتی همسایگان ایران
۲۸	مطالعات عربستان
۲۶	مطالعات روسیه
۲۱	مطالعات ترکیه
۱۸	مطالعات عراق
۹	مطالعات افغانستان
۴	مطالعات پاکستان
۴	مطالعات قطر

پس از حذف موارد مشترک دریافتیم که از ۲۳۸ مقاله تعداد ۶۳ مورد پژوهش مرتبط با همسایگان ایران است (حدود ۲۶ درصد کل مقالات). اگر به این پژوهش‌ها با دقت بیشتری پرداخته شود در می‌یابیم که از میان ۶۳ مقاله مرتبط با همسایگان ایران تعداد ۳۸ مورد مرتبط با سیاست خارجی آمریکا است. بدین معنا که از ۶۳ پژوهش در مورد همسایگان ایران، حدود ۶۰ درصد مسائل سیاست خارجی همسایگان ایران را از منظر تاثیرگذاری سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان قدرت «چیره‌طلب» بین‌المللی و رابطه آن با کشورهای همسایه ایران مورد بررسی قرار داده است. در اینجا نیز نوعی تمرکز بر سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان متغیر مستقل دیده می‌شود. همچنین ۳۳ مورد (۵۲ درصد) از پژوهش‌های مرتبط با همسایگان ایران در حوزه مطالعات انرژی و ۲۱ مورد (۳۳ درصد) در حوزه مطالعات تروریسم قرار دارد.

پس از بررسی داده‌های مرتبط با مطالعات عربستان (جدول شماره ۶)، مطالعات روسیه (جدول شماره ۷)، مطالعات ترکیه (جدول شماره ۸) و مطالعات عراق (جدول شماره ۹) در حوزه مطالعات همسایگان ایران در مجموع دریافتیم که علاقه‌مندی پژوهشگران به مطالعه همسایگان ایران در چارچوب سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا و با محوریت مطالعات حوزه انرژی و مطالعات تروریسم است. در این میان عربستان به دلیل تنش سیاسی-ایدئولوژیک میان دو کشور و نقش آفرینی در سیاست خارجی آمریکا، روسیه به دلیل اتخاذ سیاست نگاه به شرق در سطوح سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی سیاست خارجی دو کشور در چارچوب اتحاد استراتژیک، ترکیه به دلیل نقش آفرینی در بحران‌های منطقه

و عضویت در ناتو و عراق به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک برای امنیت ایران بیش از سایر همسایگان مورد اقبال پژوهشی قرار گرفته‌اند. نکته قابل تأمل فقر نظری و پژوهشی در ارتباط با واکاوی موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر اجرایی شدن آن بر سیاست خارجی همسایگان است. بنا به دلایل نامعلومی این حوزه پژوهشی از سوی پژوهشگران نادیده گرفته شده و کمتر به آن پرداخته شده است.

جدول (۶): داده‌های پژوهش براساس مقالات مرتبط با مطالعات عربستان

تعداد مقاله (مجموع ۲۸ مورد از ۲۳۸ مقاله)	حوزه مطالعاتی مسائل عربستان
۱۱	مسائل مرتبط با رابطه ایران و عربستان
۶	مسائل مرتبط با مطالعات حوزه انرژی (نفت)
۵	مسائل مرتبط با مطالعات تروریسم
۵	مسائل مرتبط با جنگ یمن
۱	مسائل مرتبط با رابطه عربستان و اسرائیل
۱۶ مورد از ۲۸ مقاله (۵۷ درصد)	بررسی شاخص نقش آفرینی ریاض در سیاست خارجی آمریکا به عنوان پیش فرض در مقاله



جدول (۷): داده‌های پژوهش براساس مقالات مرتبط با مطالعات روسیه

تعداد مقاله (مجموع ۲۶ مورد از ۲۳۸ مقاله)	حوزه مطالعاتی مسائل روسیه
۷	مسائل مرتبط با رابطه ایران و روسیه
۶	مسائل مرتبط با نقش آفرینی روسیه در بحران سوریه
۵	مسائل مرتبط با مطالعات حوزه انرژی (گاز)
۴	مسائل مرتبط با سیاست خارجی روسیه و ارتباط با اتحادیه اروپا
۳	مسائل مرتبط با رابطه روسیه و اسرائیل
۱	مسائل مرتبط با سیاست خارجی روسیه و سازمان‌های بین‌المللی

در بررسی براساس «جهت‌گیری مطالعاتی» اگر بر مراکز بحرانی و جنگ‌زده که محور موضوعی مهمی در روابط بین‌الملل جهان محسوب می‌شود، متمرکز شویم به جدول داده‌های شماره ۱۰ دست می‌یابیم. سوریه، عراق، اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی)، افغانستان و یمن در صدر پژوهش‌های ایرانی قرار دارد که البته تعداد پژوهش‌ها در این حوزه چندان قابل تأمل نیست. وقتی بر این پژوهش‌ها متمرکز شویم پس از حذف موارد مشترک در نهایت درمی‌یابیم که از ۴۵ مقاله مرتبط با مناطق بحرانی و جنگ‌زده جهان ۳۸

مورد یعنی ۸۴ درصد مرتبط با عملکرد سیاست خارجی آمریکا در این بحران‌ها می‌باشد.

جدول (۸): داده‌های پژوهش براساس مقالات مرتبط با مطالعات ترکیه

تعداد مقاله (مجموع ۲۱ مورد از ۲۳۸ مقاله)	حوزه مطالعاتی مسائل ترکیه
۶	مسائل مرتبط با نقش آفرینی ترکیه در بحران سوریه
۵	مسائل مرتبط با نقش آفرینی ترکیه در افغانستان
۴	مسائل مرتبط با مطالعات حوزه انرژی (نفت و گاز)
۳	مسائل مرتبط با سیاست خارجی ترکیه و ارتباط با اتحادیه اروپا
۳	مسائل مرتبط با رابطه ترکیه و اسرائیل
۱۸ مورد از ۲۱ مقاله (۸۵ درصد)	بررسی شاخص عضویت ترکیه در ناتو به‌عنوان یک عنصر موثر در سیاست خارجی ترکیه

جدول (۹): داده‌های پژوهش براساس مقالات مرتبط با مطالعات عراق

تعداد مقاله (مجموع ۱۸ مورد از ۲۳۸ مقاله)	حوزه مطالعاتی مسائل عراق
۸	مسائل مرتبط با مطالعات تروریسم
۵	مسائل مرتبط با مطالعات حوزه انرژی (نفت)
۵	مسائل مرتبط با ژئوپلیتیک
۱۸ مورد از ۱۸ مقاله (۱۰۰ درصد)	بررسی شاخص حضور نظامی آمریکا در عراق به‌عنوان یک عامل موثر بر سیاست خارجی

جدول (۱۰): داده‌های پژوهش براساس جهت‌گیری مطالعاتی با محوریت مراکز بحرانی و جنگ‌زده

تعداد مقاله	حوزه مطالعاتی مراکز بحرانی و جنگ‌زده
۲۱	سوریه
۱۸	عراق
۱۱	اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی)
۹	افغانستان
۵	یمن



مجلس شورای اسلامی

۳۶۷

رویکرد سنجی ادبیات علمی
روابط بین‌الملل ایرانی:
بررسی مقالات علمی -
پژوهشی سال ۱۴۰۰



با بررسی دقیق این مقالات در می‌یابیم که ۲۱ مورد (۴۶ درصد) مرتبط با مطالعات تروریسم و ۶ مورد (۱۳ درصد) مرتبط با مطالعات صلح است. این اعداد به این معناست که در حوزه مطالعات مراکز بحرانی و جنگ‌زده پژوهشگران ایرانی علاقمند به تفسیر وضعیت موجود براساس مطالعات تروریسم و با تکیه بر سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان متغیر مستقل موثر بوده و کمتر به بررسی راهکارهای عملی پایان بحران و نیل به صلح در این مناطق توجه داشته‌اند. در ۶ مورد که راهکارهایی برای نیل به صلح در نظر گرفته شده نیز تکیه بر نقش سازمان‌های بین‌المللی در ایجاد صلح موقت در قالب آتش‌بس، کنفرانس‌های صلح و توافقات میان گروه‌های درگیر اولویت داده شده است.

در مطالعات سوریه (۲۱ مورد) تمام موارد مرتبط با مطالعات پساداعش و مرتبط با سیاست خارجی سایر کشورها بویژه آمریکا، عربستان، قطر، روسیه، ترکیه و اسرائیل در قبال سوریه در دوران پساداعش است. در اینجا نیز مانند مطالعات همسایگان ایران، فقر پژوهشی در مورد روابط و سیاست خارجی ایران وجود دارد و مقاله‌ای که مستقل به موضوع رابطه‌ی ایران و سوریه در دوران جنگ با داعش و پساداعش و یا تاثیر اجرایی شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه و اسرائیل پرداخته باشد در این ۲۱ مقاله یافت نشد. در مطالعات اسرائیل (۱۱ مورد) ۶ مورد مرتبط با سیاست دفاعی-خارجی اسرائیل در بحران سوریه و ۵ مورد در ارتباط با روابط اسرائیل و کشورهای خاورمیانه است. که نشان می‌دهد سیاست داخلی اسرائیل، عملکرد اسرائیل در قبال فلسطین، روابط اسرائیل با آمریکا و اتحادیه اروپا و سایر موارد مرتبط با سیاست خارجی اسرائیل در صدر علاقه‌مندی پژوهشگران مطالعات اسرائیل قرار ندارد و پژوهشگران این حوزه بیشتر بر موضوع نقش‌آفرینی اسرائیل در بحران سوریه و همچنین توسعه روابط اسرائیل با کشورهای منطقه متمرکز هستند. در مطالعات افغانستان (۹ مورد) به نقش آمریکا، ناتو، عربستان و پاکستان در منازعات مرتبط پرداخته شده و بازهم خلا پژوهشی در ارتباط با سیاست خارجی ایران در افغانستان وجود دارد. در مورد مطالعات یمن نیز وضعیت مشابهی وجود دارد و تمرکز بر سیاست خارجی- نظامی عربستان است. در مجموع دریافتیم در حوزه مطالعاتی مرتبط با مراکز بحران و جنگ شامل افغانستان، عراق، یمن، سرزمین‌های اشغالی و سوریه پژوهشگران به نقش و جایگاه سیاست خارجی ایران (مثبت یا منفی) بی‌توجه هستند و نوعی سکوت پژوهشی دیده می‌شود.

در بررسی براساس «جهت‌گیری مطالعاتی» اگر بر منطقه شرق آسیا متمرکز شویم به جدول داده‌های شماره ۱۱ دست می‌یابیم.

جدول (۱۱): داده‌های پژوهش براساس جهت‌گیری مطالعاتی با محوریت منطقه شرق آسیا

تعداد مقاله	حوزه مطالعاتی منطقه شرق آسیا
۳۵	چین
۱	شبه‌جزیره کره

با نگاه دقیق‌تر به این پژوهش‌ها در می‌یابیم که از ۳۵ مورد مطالعاتی مرتبط با چین ۳۲ مورد مربوط به "روابط چین و آمریکا" و ۳ مورد مرتبط با "روابط چین و ایران" است. این داده‌ها نشان می‌دهد پژوهشگران ایرانی به مسائل شرق آسیا نیز از منظر اهمیت آن در رقابت چین و آمریکا اولویت پژوهشی داده‌اند و در این میان فقر پژوهشی در مورد روابط میان ایران و چین علیرغم اهمیت آن برای دکتترین نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. همچنین از ۳۲ مورد مطالعاتی مرتبط با روابط چین و آمریکا ۲۸ مورد مرتبط با مطالعات اقتصادی با رویکرد تنش اقتصادی میان چین و آمریکا و چهار مورد مرتبط با نقش چین در اقتصاد آمریکا می‌باشد.

در بررسی براساس سایر حوزه‌های "جهت‌گیری مطالعاتی" اگر بر قاره آفریقا متمرکز شویم در می‌یابیم که از ۲۳۸ پژوهش، ۲ مورد مطالعاتی در مورد مصر وجود دارد. همچنین در مورد مطالعات آمریکای لاتین نیز صرفاً یک مقاله براساس رویکردهای سیاست خارجی آمریکا در آمریکای لاتین یافته شد. در حوزه مطالعاتی اروپا، ۲۲ مورد مطالعات حوزه اتحادیه اروپایی و نیز ۱ مورد مطالعه در حوزه سیاست خارجی فرانسه وجود دارد. همچنین در حوزه مطالعاتی پیمان‌های بین‌المللی نیز ۳ مورد مطالعاتی در ارتباط با ناتو و همچنین ۲ مورد مطالعاتی در مورد پیمان شانگهای یافت شد.

ج. جهت‌گیری الگوواره‌ای

در بررسی مقالات براساس "جهت‌گیری پارادایمی علمی" براساس ۶ الگوواره مرسوم شامل واقع‌گرایی، لیبرالیسم، سازه‌نگاری، مکتب‌انگلیسی، مارکسیسم و جامعه‌شناسی تاریخی نتایج جدول شماره ۱۲ بدست آمد. تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که پژوهشگران ایرانی مفاهیم واقع‌گرایی و لیبرالیسم را مناسب‌تر در جهت تفسیر، توجیه و آینده‌پژوهی وقایع بین‌الملل لحاظ می‌نمایند. در مورد چرایی عدم تمایل به تفسیر وقایع بین‌الملل در چارچوب مکاتب انگلیسی، مارکسیسم و جامعه‌شناسی تاریخی می‌بایست طی پژوهشی دیگر و از طریق مصاحبه با اساتید و پژوهشگران موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

جدول (۱۲): داده‌های پژوهش براساس جهت‌گیری پارادایمی

الگوواره علمی	تعداد مقاله	درصد
واقع‌گرایی	۱۱۶	۴۹
لیبرالیسم	۷۴	۳۱
سازمان‌نگاری	۴۶	۱۹,۲
مکتب‌انگلیسی	۱	۰,۴
مارکسیسم	۱	۰,۴
جامعه‌شناسی تاریخی	۰	۰

د. مشارکت دانشگاه‌های کشور در تولید ادبیات علمی روابط بین‌الملل در بررسی مقالات انتخابی در این پژوهش، دریافتیم که نویسندگان مسئول تدوین ۲۳۸ مقاله مزبور در ۵۴ دانشگاه و مرکز پژوهشی کشور اشتغال به کار یا تحصیل داشته‌اند که براین اساس داده‌های جدول شماره ۱۳ به دست آمد.

جدول (۱۳): داده‌های پژوهش براساس محل اشتغال یا تحصیل نویسنده مسئول مقاله

نام دانشگاه/مرکز پژوهشی	تعداد مقاله (براساس محل اشتغال مسئول مقاله)
دانشگاه آزاد اسلامی (۲۴ واحد دانشگاهی)	۵۴
دانشگاه تهران	۲۷
دانشگاه علامه طباطبائی	۲۶
دانشگاه اصفهان	۱۶
دانشگاه گیلان	۱۱
دانشگاه شهید بهشتی	۱۱
دانشکده وزارت خارجه	۹
دانشگاه امام خمینی (ره)	۹
دانشگاه شیراز	۷
دانشگاه پیام‌نور (۶ واحد دانشگاهی)	۷
دانشگاه فردوسی	۶
سایر دانشگاه‌ها (۴۳ مرکز)	۵۵

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ۷۰ درصد مقالات بررسی شده، مستخرج از



پایان‌نامه‌های دانشجویی مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد هستند (۱۶۸ مورد از ۲۳۸ مقاله). در اینجا دو سوال مطرح می‌شود؛ نخست این که اگر اجبار در مورد چاپ مقالات برای کسب مدرک تحصیلی و پذیرش در مقاطع تکمیلی توسط دانشجویان وجود نداشته باشد، وضعیت تولید ادبیات علمی روابط بین‌الملل حداقل از نظر کمی چگونه خواهد بود؟ دوم اینکه مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌ها تا چه میزان دارای تاثیر بر روند تقویت فرآیند تولید علم روابط بین‌الملل در کشور هستند؟ این سئوالات نیز در پژوهش آتی در همین حوزه در دست بررسی است و در آینده نتایج آن منتشر خواهد شد.

۵. جهت‌گیری روش‌شناسی

از منظر جهت‌گیری روش‌شناسی که آیا مقالات مورد پژوهش رویکرد کمی یا کیفی دارند یافته‌ها و بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد تمام ۲۳۸ مقاله مورد بررسی رویکرد کیفی داشته و در روش کیفی نیز رویکرد ۱۹۸ مقاله توصیفی-تحلیلی است. تقریباً می‌توان ادعا کرد برقراری رابطه‌ی علی میان دو یا چند متغیر به عنوان روش توصیفی-تحلیلی در نظر گرفته شده است و ۸۳ درصد مقالات مورد بررسی صرف برقراری این رابطه و تلاش برای اثبات آن را روش پژوهش دانسته‌اند.

۶. جهت‌گیری معرفت‌شناسی

از منظر جهت‌گیری معرفت‌شناسی آن‌چنان که مرسوم است چهار رویکرد پوزیتیویسم، آنتی‌پوزیتیویسم، پس‌پوزیتیویسم و غیرپوزیتیویسم در مقالات مزبور مورد بررسی قرار گرفت. نکته قابل توجه آن است که در مقالات رسماً به رویکرد معرفت‌شناسی پژوهش اشاره نشده است. اما با بررسی مفاهیم مرتبط و متضمن جهت‌گیری معرفت‌شناسی دریافتیم که رویکرد تمام ۲۳۸ مقاله پیروی از مفاهیم پوزیتیویسم است. جهت اطمینان این آزمایش را با روش برهان خلف نیز تکرار کردیم و دریافتیم که هیچ مقاله‌ای از مفاهیم و ادعاهای ضد پوزیتیویسم یا پس‌پوزیتیویسم و یا غیرپوزیتیویسم استفاده نکرده است. در مجموع نوعی بلا تکلیفی یا عدم توجه به موضوع جهت‌گیری معرفت‌شناسی در مقالات قابل رویت است که آن را می‌توان نتیجه بدیهی دانستن استفاده از رویکرد معرفت‌شناسی پوزیتیویسم دانست (که البته این ادعا نیازمند بررسی در پژوهش‌های آتی در قالب مصاحبه با اساتید و پژوهشگران است).

۵. نتایج نهایی پژوهش

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر جهت‌گیری مطالعاتی بخش قابل‌اعتنایی از مقالات تحت‌تأثیر



سیاست خارجی و عملکرد بین‌المللی چیره‌طلبانه آمریکا (هژمونی) قرار دارد. حتی در مورد مطالعات همسایگان ایران یا منطقه شرق آسیا یا مناطق بحران‌زده، علاقه‌مندی پژوهشگران ایرانی به بررسی متغیرهای مرتبط با سیاست خارجی آمریکا است. به همین دلیل از بعد جهت‌گیری مطالعاتی در پژوهش‌های ایرانی روابط بین‌الملل نوعی آمریکایی‌زدگی دیده می‌شود که می‌تواند ریشه در عملکرد وسیع آمریکا در جهان امروز به عنوان یک قدرت چیره‌طلب داشته باشد. شاید به کارگیری پارادایم‌های واقع‌گرایی و لیبرالیسم در ۸۰ درصد مقالات نیز به بررسی عملکرد سیاست خارجی آمریکا مرتبط باشد که این دو پارادایم بیش از سایر مکاتب برای تبیین و تفسیر آن مناسب دانسته می‌شود.

اما چند نکته مهم در مورد مقالات ایرانی روابط بین‌الملل باید مورد توجه قرار بگیرد. نکته اول فقر پژوهشی در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مرتبط با کشورهای است که این روزها به دلیل دگرگونی و رویکرد سیاست خارجی برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. مانند چین، روسیه و همسایگان بحران‌زده ایران مانند افغانستان، سوریه، یمن و عراق. نکته دوم عدم توجه به رویکردهای روش‌شناسی کمی و تمرکز بیش از حد بر روش توصیفی-تحلیلی است. فقدان توجه به تکثر روش پژوهش در نهایت منجر به رواج پژوهش‌های فاقد روش شده است که برای اقناع علمی مجلات پژوهشی از عنوان روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

نکته سوم حجم مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌هاست که نشان می‌دهد این مقالات و نتایج پژوهش حاضر به نوعی ویتربینی از وضعیت رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در سراسر کشور است. یعنی تمام یافته‌های ما شامل آمریکازدگی در حوزه مطالعاتی، عدم تکثر روش پژوهش، عدم توجه به مفاهیم و رویکردهای معرفت‌شناسی و تمرکز بر مطالعات موردی با رویکرد سیاست خارجی، فقر در پژوهش‌های نظری محض و... همگی مشکلات جامعه دانشگاهی ایران است که باید برای رفع آن برنامه‌ریزی جامع و یکپارچه داشت. بدین معنا که با توجه به حجم بالای مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌ها اگر این مشکلات در تدوین رساله‌ها مرتفع و روند آموزشی منجر به اتمام رساله اصلاح شود، مقالات منتشر شده نیز از این جهت اصلاح می‌گردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶. گزاره‌های تأیید شده حاصل از پژوهش

براساس داده‌های پژوهش به گزاره‌های تأیید شده ذیل دست یافتیم:

۱. پژوهش‌های روابط بین‌الملل ایرانی از نیازمندی‌های سیاست خارجی و منافع ملی مد نظر

- سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران تاثیر نمی پذیرند.
۲. پژوهش‌های روابط بین‌الملل ایرانی در انتخاب موضوعات اصلی و روند پژوهش از سیاست خارجی دولت‌های آمریکا تاثیر پذیرفته و این تاثیرپذیری ارتباطی به روابط میان دولت‌های ایران و آمریکا نداشته و مرتبط با عملکرد وسیع و چیره‌طلبانه آمریکا در جهان معاصر است.
 ۳. پژوهش‌های روابط بین‌الملل ایرانی به دنبال ایجاد نظریات بومی یا افزودن عمق یا وسعت دید در نظریات موجود روابط بین‌الملل نبوده و رسالت خود را مطالعات موردی سیاست خارجی معاصر در چارچوب نظریات موجود می‌دانند.
 ۴. پژوهش‌های روابط بین‌الملل ایرانی دارای مشکل عدم توجه به حوزه‌های روش پژوهش و معرفت‌شناسی هستند.
 ۵. در فرایند تولید ادبیات علمی روابط بین‌الملل دانشگاه‌های سراسر کشور مشارکت داشته و هیچ دانشکده یا دانشگاهی در وضعیت فعلی موتور پیشران دانش روابط بین‌الملل محسوب نمی‌شود.



پیوست (۱): لیست مجلات (به ترتیب حروف الفباء)

نام مجله	نوع مجله	محل انتشار
۱ پژوهشنامه علوم سیاسی	فصلنامه	انجمن علوم سیاسی ایران
۲ پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل	دو فصلنامه	دانشگاه فردوسی - مشهد
۳ پژوهش های بین الملل	فصلنامه	انجمن ایرانی روابط بین الملل
۴ پژوهش های راهبردی سیاست	فصلنامه	دانشگاه علامه طباطبائی
۵ پژوهش های سیاسی و بین المللی	فصلنامه	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تاکستان
۶ تحقیقات سیاسی و بین المللی	فصلنامه	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهرضا
۷ جستارهای سیاسی معاصر	فصلنامه	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۸ دانش سیاسی	دو فصلنامه	دانشگاه امام صادق (ع)
۹ راهبرد	فصلنامه	پژوهشکده تحقیقات راهبردی - مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۰ روابط خارجی	فصلنامه	پژوهشکده تحقیقات راهبردی - مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۱ رهیافت های سیاسی و بین المللی	فصلنامه	دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
۱۲ ژئوپلیتیک	فصلنامه	انجمن ژئوپلیتیک ایران
۱۳ سیاست	فصلنامه	دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۱۴ سیاست جهانی	فصلنامه	دانشگاه گیلان
۱۵ سیاست خارجی	فصلنامه	دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی - وزارت خارجه
۱۶ سیاست و روابط بین الملل	دو فصلنامه	دانشگاه مازندران
۱۷ مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل	فصلنامه	دانشگاه رازی - کرمانشاه
۱۸ مطالعات انقلاب اسلامی	فصلنامه	دانشگاه معارف اسلامی
۱۹ مطالعات بین المللی	فصلنامه	انجمن علمی مطالعات صلح ایران
۲۰ مطالعات راهبردی	فصلنامه	پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۱ مطالعات روابط بین الملل	فصلنامه	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی
۲۲ مطالعات سیاسی جهان اسلام	فصلنامه	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) - قزوین



۳۷۴

پژوهش نامه ایرانی
سیاست بین الملل،
سال ۱۲، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۴، بهار و تابستان
۱۴۰۳

منابع

- Alker, H. R. & Biersteker, T. J. (1984). The Dialectics of World Order: Notes for a Future Archeologist of International Savoir Faire, *International Studies Quarterly*, 28(2), 121-142.
- Chong, A. & Hamilton-Hart, N. (2009). Teaching International Relations in Southeast Asia:

Historical Memory, Academic Context, and Politics—an Introduction, *International Relations in Southeast Asia*, 9(1), 1-18.

Friedrichs, J. (2004). *European Approaches to International relations Theory: a House with many Mansions*, London: Routledge.

Grosser, A. (1956). Letude des Relations Internationals, Specialite americaine?, *Revue Francaise de Science Politique*, 6(3), 634-651.

Hadiwinata, B. S. (2009). International Relations in Indonesia: Historical Legacy, Political Intrusion, and Commercialization, *International Relations of the Asia Pacific*, 9(1), 55-81.

Holsti, K. J. (1985). *The Dividing Discipline: Hegemony and Diversity in International Theory*, London: Routledge.

Jordan, R.; Maliniak, D.; Oakes, A.; Peterson, S. & Tierney, M. J. (2009). *One Discipline or Many? TRIP Survey of IR Faculty in Ten Countries*, Virginia: The College of William and Mary.

Makarychev, A. & Morozov, .. (2013). Is 'Non-Western Theory' Possible? The Idea of Multipolarity and The Trap of Epistemological Relativism in Russian IR, *International Studies Review*, 15(3), 328-350.

Maliniak, D.; Oakes, A.; Peterson, S. & Tierney, M. J. (2011). IR in USA Academy, *International Studies Quarterly*, 55(2), 437-464.

Maliniak, D.; Long, J. D.; Peterson, S. & Tierney, M. J. (2018). The Global Study of International Relations: Hegemony, Diversity or Insularity, *Security Studies*, 27(3), 448-484.

Waeber, O. (1998). The Sociology of Not So International Discipline: American and European Developments in IR, *International Organization*, 52(4), 687-727.

